

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

م. مشعل

## در پاسخ آقای عابد ولی در رابطه به دولت اسلامی

آقای عابد ولی در کابل پرس نظر انتقادی اش نسبت بمقاله ی انجانب را بشرح زیر مطرح کرده است:

"محترم م. شعل صاحب:

دفاع تان از پرویز کامبخش در حقیقت دفاع تان از دموکراسی است دفاع از آزادی بیان و اندیشه است، ولی چیزی که مرا متحیر ساخت، موضع بنیادگرایانه ی تان در رابطه به دولت است که شما مینویسید:  
"از نظر اسلام دولت باید اسلامی باشد و فقط کسانی که به تقوا هم عمل نموده و هم به تقوا مشهور باشند، حق محاکمه مجرمین را دارد."

یا شما میخواهید چنان وانمود سازید که گویا بنیادگرایی مذهبی با دموکراسی در تقابل نیست؟؟  
آقای مشعل وقتیکه جلو دولت در دست اسلام سیاسی و یا هر نوع بنیاد گرایی مذهبی دیگر داده شود، نتیجه همان می شود که ما در آمدن تنظیمهای جهادی و طالبی در افغانستان دیدیم. یا از دولت اسلامی منظور تان بنیاد گرایی مذهبی نیست. رسوا سازی اخوانیت در مقاله شما و جمله ایکه از شما نقل شد، جور نمی آید."

اینهم پاسخ اینجانب در رابطه به انتقاد ایشان:

آقای محترم ولی! سلام و رحمت بر شما باد!

نخست از انتقاد شما تشکر، در جمله ی غلطی تایی از طرف اینجانب صورت گرفته است. اصل جمله باید قرار ذیل می بود: "از نظر اسلام دولت باید عادل باشد و فقط کسانی که به تقوا هم عمل نموده و هم به تقوا مشهور باشند، حق محاکمه مجرمین را دارند." امید که از اشتباه بنده به بزرگواری ایکه دارید، بگذرید. منتها در استعمال کلمات "بنیادگرایانه" اگر لازم میدانید، عجله نکنید و الی در دموکراسی سخن آزاد و نوشتن آسان و جلو اراده ی تان بدست خود شما می باشد. در رابطه به دولت و حاکمیت باید نکات چندی را مرقوم نمایم:

۱) دولت آله و وسیله ایست، که مخلوق انسان بوده، که یا برای سرکوب مردم و یا هم خدمت به خلق خدا در دست انسانها میباشد. اصلا کلمه اسلامی در مورد اصول بیان شده در آیات قرانی و احادیث پیامبر میتواند بکار برده شود و کلمه ی مسلمان در مورد انسانی که از اصول اسلامی پیروی نماید، استفاده شود. دولت را نمیتوان اسلامی نامید و الی پیامبر اسلام این کار را در مورد دولت خودش مینمود. قران در مورد پیامبران خویش میفرماید: "ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند" (الحدید ۲۵: ۵۷). بلی قران فقط اصل کلی قیام به عدالت را به انسانان فرستاده است و در مورد مسایل و معضلات مشخص امر به اجتهاد کرده است. (اجتهاد اصلیت، که مطابق آن علما (متخصصین امور) قوانینی مشخص مطابق شرایط زمان طرح می نمایند). زیرا که قران برخلاف تهمتیه که بنیادگرایان عامل استعمار و امپریالیسم به قران می زنند، که گویا قران به تمام مسایل علمی و قانونی جواب داده است، هیچ طرحی در مورد علوم و قوانین مشخص ندارد. به همین خاطر از آیاتی که در رابطه به حل بعضی معضلات مشخص پیامبرو آن عصر نازل شده است، نمیتوان به مثابه قوانین کلی استفاده نمود. اگر قران از قبل حل تمام مسایل علمی و قوانین را مطرح نموده بود، پس لازم نبود که پیامبر اسلام فراگرفتن علم را بر زن و مرد مسلمان فرض مینمود و یا مسلمانان را برای فراگرفتن علم ولو که در چین

هم باشد، تشویق می نمود. از طرف دیگر چه لزومی به اصل اجتهاد می بود. بگذار که بیدینان اخوانی تمام عمرشان را مصرف کنند، ولی به یقین در مورد مجازات راننده ای که از اشاره ی سرخ میگذرد، چیزی در قرآن نخواهند یافت. زیرا که اشاره سرخ فراورده ی مشخص عصر کنونی میباشد. در رابطه به حل مسایل مشخص، قرآن فقط اصل عمومی ایرا مطرح میکند؛ به عنوان نمونه اگر ترافیکی در صورتی که حکومت مزدور کرسی پول ها را در جیب های گردانندگان آن نمی زد و جاده ها و اشارات کابل فرضا مدرنیزه میشد و آنوقت راننده ای علی رغم آنکه از اشاره سرخ عبور نکرده بود، ولی باآنها از جانب ترافیک برای دریافت رشوه توقف داده میشد و خلاصه حرف شان به قضا و قانون میکشید و شما پسر و یا از اقارب ترافیک می بودید، درآنصورت قرآن فقط کلا مشکل اخلاقی شما را حل کرده میفرماید: "ای کسانی که ایمان آوردهاید! کاملا قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد!" (النساء ۱۳۵: ۴)

۲) آقای عابد من فکر میکنم نام دولت چندان مهم هم نیست. مهم اینست، که گردانندگان دولت متقی اند و یا خیر؟ آیا حاکمیت قانون در آن مرعی الاجراست و یا اراده ی مامورین بلند پایه؟ و مخصوصا آیا دولت در خدمت اکثریت توده های مردم قرار دارد و مستقل می باشد و یا خیر؟ حال اگر دولت مزدور بیگانه بوده، گردانندگان آن جنایتکار و دشمن مردم باشند، چه فایده ای خواهد کرد که نام دولت مردمی، دیموکراتیک و یا هر چیزی که میخواهد باشد. ما و شما شاهد دولت حزب دیموکراتیک خلق افغانستان، "جمهوری دیموکراتیک افغانستان" بودیم، ازجائیکه ضد دیموکراسی بود، هیچ یک از دیگراندیشان شان را تا توانستند، زنده نماندند و هم از جائیکه ضد خلقی بود، دست شان به خون بیش از یک میلیون انسان سرخ شد و بر خلق خدا هر ستمی که از دست شان آمد روا داشتند. باز ما و شما شاهد جمهوری اسلامی برهان الدین خان ربانی و احمدشاه مسعود بودیم، ویرانی کابل، تجاوز به مال و جان و ناموس مردم از دست آوردهای فراموش ناشدنی آن رژیم می باشد. ما خلافت امیرالمومنین ملا محمد عمرخان را نیز تجربه نمودیم، حاکمیتی بود قرون وسطایی، ضد ترقی و ضد آزادی زن و کریه، که وطن را به گورستان بی سروصدا تبدیل کرده بود. حال که ابرقدرت امریکا بر خاک ما تجاوز کرده و پس از دفع طالبان، چهره های کثیف همانند آنان را تحت نام "جمهوری اسلامی افغانستان" براریکه ی قدرت نسب نموده است. ما و شما علاوه بر بمباردمان های کور امریکا، شاهد فساد، تجاوز به مال و جان و ناموس مردم از طرف جنایتکاران جنگی به حاکمیت رسیده می باشیم. عده ای از قومپرستان با از حاکمیت افتادن طالبان دهل شادی از حاکمیت افتادن یک قوم را به صدا درآوردند، اما آنها چون به حقایق نه از زاویه ملی، بلکه تبارگرایی مینگرند، نمیدانند، که برای امپریالیسم امریکا بی تفاوتست که سگان پای دوش به کدام قوم و یا تباری تعلق دارند و یا به چه زبانی حرف میزنند، مهم اینست که منافع آنان را در کشور ما تامین نمایند. حال در حلقه های بالایی دولت امریکا حرف از آنست که آنها به دولت یکدست، قوی و مرکزی مانند طالبان ضرورت دارند. از همین خاطرست که فغان قومپرستان ضد طالب بالا گرفته و به شکوه و شکایت از امریکا میپردازند و قومپرستان هم قوم طالب لبخند پیروزی بر لب می آرند. ازجائیکه سرانجام قومپرستی به نوکری بیگانه و دشمنی با ملت و مردم میکشد، هر دو طرف از پیروزی طالبان و یا مخالفین اخوانی طالبان برای قدرتمندی شخصی خودشان و نه مردم قوم خویش خوشحالی میکنند.

۳) حکم قرآن در مورد اطاعت از دولت اینست، که "ای کسانی که ایمان آوردهاید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولو الامر از جانب شما!" (النساء ۵۹: ۴) مطابق این آیه ی شریف اطاعت فقط از دولتی مجازست که اولو الامر آن در فضای کاملا دیموکراتیک، بدون هر نوع جبر و فشار از طرف مردم انتخاب شده باشد. بر همین اساس خدا به مردم امر میکند، که از حاکمیتی اطاعت کنند که از جانب خود آنها انتخابی باشد، نه اینکه به مثابه رژیم جنایتکاران جنگی از جانب فرعونیان کنونی زمان انتسابی باشد. حال مردم هر نوع رژیمی را که در نتیجه انتخابات واقعا آزاد تعیین کردند، ولو که حاکمیت آن به دست هندو و یا مسلمان باشد، اطاعت از آن بر مسلمانان فرض است. برعکس حکومتی که به زور بر مردم تحمیل شده باشد، جهاد بر علیه آن بر مردم فرض میباشد، ولو که نام دولت اسلامی و گردانندگان آن خودشان را در صفحات قرآن پاک هم پیچیده باشند.

آقای ولی! امید است که با ذکر نکات بالا زمینه ی رفع سوء تفاهم میان ما هموار شده باشد.